



The Semantic System of Tourism from the Perspective of the Quran *

Ahmad Hosseinzadeh ¹

Abstract



Tourism, as an industry, is an important source of income and, at the same time, a social issue and an effective factor in cultural exchanges with a special status. In the reality that Islamic Iran can benefit from its blessings and be one of the important tourist destinations in the region, there is no doubt; however, despite the existing capacities, it is not clear what policy and goal Iranian society should pursue regarding tourism. It seems that for achieving the solution for development and promotion of its status, examining various factors including analyzing Quranic terms is of special importance. In the Quran, there are terms such as "sair," "safar," "siaha," etc., each having a specific meaning and indicating tourism. To this end, Quranic terms were examined using Izutsu's semantic analysis method as theoretical support, and Quranic principles and criteria regarding tourism were extracted and analyzed. Based on the Quran's comprehensive view of humanity, the findings indicate the existence of criteria such as attention to both the material and spiritual aspects of human beings, positive semantic value, universality of travel in terms of audience and time, purposefulness and obligation, individual and collective dimensions, permanence, readiness for travel foundations and destinations, indication of material life, rejection of classist views, defensive readiness, encouragement of learning, learning from lessons, etc. The utilization of these criteria in planning and goal-setting regarding tourism will be an effective solution for its development from the perspective of the Quran.

Keywords: Literary Doubts, Critique of the Quranic, Contradict, Quranic Doubts, Kaf for the Second Person.

*. **Date of Receiving:** 20/09/2022, **Date of Approving:** 13/06/2023.

1. PhD, Al-Mustafa International University, Qom: kavaki6640@gmail.com.



نظام معنایی گردشگری از منظر قرآن کریم*

احمد حسین زاده^۱



چکیده

گردشگری به مثابه صنعت، منابع مهم درآمد و درعین حال موضوعی اجتماعی و عامل مؤثر در تبادلات فرهنگی حائز جایگاه ویژه‌ای است. در این واقعیت که ایران اسلامی می‌تواند از مواهب آن برخوردار بوده، یکی از مبادی یا مقاصد مهم گردشگری در منطقه باشد، تردیدی نیست؛ لکن با وجود ظرفیت‌های موجود روشن نیست جامعه ایرانی با مقوله گردشگری باید چه سیاست و هدفی را در پیش گیرد. به نظر می‌رسد برای دستیابی به راهکار توسعه و ارتقای جایگاه آن، بررسی عوامل مختلف از جمله بررسی واژگان قرآن دارای اهمیت ویژه است. در قرآن واژگانی از قبیل: سیر، سفر، سیاحت و... وجود دارد که هریک بار معنایی خاصی داشته و دلالت بر گردشگری می‌کنند. بدین منظور واژگان قرآنی با استفاده از روش معناکاوی ایزوتسو به عنوان پشتوانه نظری مورد بررسی قرار گرفت و اصول و معیارهای قرآنی نسبت به گردشگری استخراج و تحلیل گردید. باتوجه به جامع‌نگری قرآن نسبت به انسان، یافته‌ها حاکی از وجود معیارهایی مانند توجه به بُعد مادی و معنوی انسان، ارزش معنایی مثبت، همگانی بودن سفر به لحاظ مخاطب و زمان، هدفمندی و تکلیف‌مداری، ابعاد فردی و جمعی، دائمی بودن، آمادگی مبادی و مقاصد گردشگری، نشانه گرفتن زندگی مادی، رد نگاه طبقاتی، آماده‌باش دفاعی، تشویق به علم‌آموزی، عبرت آموختن و... است که به کارگیری آن‌ها در برنامه‌ریزی و هدف‌گذاری درخصوص گردشگری راهکار مؤثری در توسعه آن از منظر قرآن خواهد بود.

کلیدواژه‌ها: گردشگری، سفر، معناشناسی، معیار، ایزوتسو.

*. تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۶/۲۹ و تاریخ تأیید: ۱۴۰۲/۰۳/۲۳.

۱. دانش آموخته دکتری جامعة المصطفی ص العالمیة قم: kavaki6640@gmail.com



بیان مسأله

باتوجه به موقعیت جهانی و منافع بسیار زیاد گردشگری، بی تردید ایران از پتانسیل و ظرفیت لازم گردشگری برخوردار است و می تواند در فصول چهارگانه سال محیطی جذاب و مورد علاقه گردشگران باشد و به عنوان مقصد مهم گردشگری، مورد توجه قرار گیرد. در صورت توجه مسئولان به ابعاد اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی صنعت گردشگری و رفع معضلات پیش رو، این صنعت می تواند یکی از منابع مهم تأمین نیازهای ارزی کشور باشد؛ لذا بهر مندی جامعه تمدنی و انقلابی ایرانی از مواهب آن به عنوان مبدأ، مقصد یا هر دو آنها ضروری است؛ لکن با وجود ظرفیت های موجود روشن نیست جامعه ایرانی با مقوله گردشگری باید چه سیاستی را در پیش گیرد؟ براساس چه مدل و معیاری فعالیت های گردشگری، هدف گذاری و برنامه ریزی گردد؟ الگوی گردشگری مدنظر باید دارای چه مؤلفه و شاخص هایی باشد؟ به نظر می رسد بهر مندی از ملاحظات و توصیه های قرآن به عنوان پشتوانه نظری نسبت به گردشگری، می تواند جایگاه این صنعت در ایران را استحکام بخشد. بدین منظور مناسب است با استمداد از واژگان قرآنی به سراغ قرآن برویم و باتوجه به ویژگی قرآن که مطالب مربوط به موضوعات (در اینجا گردشگری) در آیات مختلف به صورت متفرق دلالت هایی بر گردشگری دارند را تجمیع کنیم و براساس ساختار و نظم ایجاد شده تعریف، انواع، شاخص ها و معیارهای قرآنی گردشگری را استخراج کنیم و با تأمل و دقت در آیات و واژگان، معانی مربوط را توصیف و تحلیل کنیم.

اهمیت و ضرورت

گردشگری جایگاه ویژه و نقش مهمی در نظام ارتباطی انسان ها ایفا می کند. این موضوع نقش مؤثری در تحولات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جوامع دارد (تاج الدینی، طراحی طرح آمارگیری از گردشگری ورودی، ۱۳۸۸: ۲۵). جوامع جهت موفقیت در جذب گردشگران باید عوامل احتمالی مؤثر بر شناخت گردشگری را مورد بررسی قرار دهند. بررسی آن عوامل در مبدأ و مقصد جهت دستیابی به راهکارهای توسعه آن، از اهمیت بالایی برخوردار است. یکی از عوامل موفقیت در جذب گردشگر و برخورداری از عواید گردشگری، فرهنگ سازی و ایجاد آمادگی های لازم است. چون گردشگری دارای اثراتی است که جنبه های حیات فردی و اجتماعی انسان را متأثر می سازد و در این میان، آثار اجتماعی آن فراگیرتر و نقش آن در پیشبرد کاروان بشری انکارناپذیرتر است. از جمله امور مؤثر در این زمینه، بررسی فنی مفاهیم قرآنی به عنوان مبنا با استفاده از روش های نوین زبان شناسی

است. در حال حاضر این دست از مطالعات زبان‌شناسی در مقایسه با روش‌های سنتی در شاخه‌ها و مدل‌های متنوعی حسب تنوع متفکران این مطالعات رشد یافته، به‌لحاظ گونه‌شناسی می‌توان مدل‌های متنوعی از آن چون نحو‌شناسی، معناشناسی و کاربردشناسی را برشمرد؛ بنابراین لازم است به گردشگری به‌عنوان یک فرصت و ابزاری مؤثر در ادامه روند توسعه سیاسی، اقتصادی و فرهنگی توجه خاصی مبذول شود. موضوعی که در پژوهش‌ها و مطالعات انجام‌شده در بین پژوهشگران در موضوع گردشگری از جنبه قرآنی جای آن خالی است؛ لذا از جمله اموری که می‌تواند در این زمینه مؤثر باشد، مراجعه به متون و منابع اسلامی و ضرورت استخراج مؤلفه‌ها و شاخص‌های گردشگری از متون خصوصاً قرآن است.

روش تحقیق

هر تحقیقی برای رسیدن به هدف به‌ناچار نیازمند به انتخاب روش است. بدین منظور در مقایسه با رویکردهای جدید تفسیری در این تحقیق روش معناشناسی ایزوتسو به کار گرفته شد. این روش، به دلیل داشتن مختصات همچون اصالت‌گرایی، موضوع‌نگری، کل‌نگری و پرهیز از پیش‌داوری و نسبی‌اندیشی، با مبانی شیعی سازگاری بیشتری دارد (فیرحی و خان‌محمدی، کاربرد روش معناشناسی در مطالعه عقلانیت شیعه بر مبنای اندیشه تفسیری علامه طباطبایی، ۱۳۹۳: ۴۷)؛ زیرا یافته‌های این روش تا حد زیادی بر درک دقیق مفاهیم کارآمد و سبب پرهیز از برداشت‌های سطحی می‌گردد. به‌کارگیری آن دارای مراحل است: ۱. تعیین مفاهیم کلیدی: در این مرحله مفاهیم کلیدی یک حوزه مفهومی به‌صورت روشمند انتخاب می‌شوند. ایزوتسو معتقد است انتخاب کلمات، مقداری عمل از روی دلخواه و من‌عندی است (ایزوتسو، خدا و انسان در قرآن، ۱۳۷۳: ۲۳)؛ ۲. تحلیل مفاهیم: در اینجا، مفاهیم با بهره‌گیری از روش معناشناسی، تجزیه و تحلیل می‌شود. براساس تحلیل هم‌زمانی متن، ایستای تلقی شده، مفهوم مربوط به‌گونه‌ها و صیغه‌های مختلف ملاحظه می‌گردد. برای دستیابی به معانی واژگان برای مفاهیم کلیدی پرسش‌هایی مانند: کلمات دارای کدام ارزش تجربی‌اند؟ دارای کدام ارزش رابطه‌ای‌اند؟ قالب واژگان دارای چه کاربرد و ساخت می‌باشد؟ (فیرحی و خان‌محمدی، کاربرد روش معناشناسی در مطالعه عقلانیت شیعه بر مبنای اندیشه تفسیری علامه طباطبایی، ۱۳۹۳: ۵۹) مطرح می‌شود.



هدف

در روند پژوهش، هر فعالیتی در خصوص موضوع تحقیق به دنبال تحقق اهداف از پیش تعیین شده است؛ از این رو هدف از تحقیق پیش رو نیز دستیابی به گستره، معیارها و ملاحظات نسبت به گردشگری از منظر قرآن است.

الف. پیشینه

در خصوص گردشگری، پژوهش‌های ارزشمندی وجود دارد. برخی به موضوعات عام اجتماعی در زمینه گردشگری پرداخته‌اند که خارج از موضوع این تحقیق است. برخی ناظر به تحقیقات دینی و قرآنی با استفاده از روش معناکاوی هستند که ایهام اشتراک و قرابت معنایی با تحقیق پیش رو را در پی دارند. بدین منظور به برخی اشاره کرده و در پایان به وجه تفاوت آنها اشاره می‌شود؛ مانند آثار تحقیقی «بررسی جامعه‌شناختی گردشگری در آموزه‌های قرآن»، فاطمه رهدار. مؤلف ضمن پرداختن به جایگاه گردشگری در اسلام، معتقد است اگر این نگاه به عنوان یک قابلیت ممتاز در بین صاحب نظران عرصه گردشگری عمومیت یابد، رشد گردشگری در ایران تضمین خواهد شد. در واقع به دنبال یافتن راهی جهت فرهنگ‌سازی و ترویج گردشگری در جامعه ایران است. «بررسی و تحلیل مؤلفه‌های گردشگری از منظر قرآن»، محترم صالحی. مؤلف با بررسی مجموعه مستندات قرآنی، بیان می‌کند که گردشگری در قرآن با اهداف و انگیزه‌های مختلفی صورت پذیرفته و آن را در یک تقسیم‌بندی به امر الهی، به دستور پیامبران و به تشخیص فرد دسته‌بندی می‌نماید. «سیر و سفر و گردشگری از دیدگاه قرآن و سنت»، زینب نوش‌آبادی. مؤلف با نگاهی به مفاهیم متنوع و اصطلاحات مربوط به توریسم در عرصه جهانی و سیر و سفر در بیان قرآنی پرداخته و آیات و آموزه‌های وحی به سیر و سفر را با هدف دستیابی به انگیزه‌ها و آثار سفر تفسیر می‌کند. در ادامه به بازشناسی روایات و سنت معصومان (ع) در خصوص سفر، کارکردها، آداب و احکام گوناگون آن می‌پردازد. نمونه‌های دیگر هم به همین مقیاس بوده و وجه اشتراک هریک از آنها صرفاً در اشتراک در عنوان موضوع و استناد به آیات قرآن جهت تأیید موضوع گردشگری است. در حالی که در تحقیق پیش رو ضمن پرداختن به موضوع گردشگری و استناد به آیات استخراج انواع و مؤلفه‌ها و بیان گستره موضوع گردشگری از منظر قرآن با روش معناکاوی ایزوتسو است. به همین جهت نتایج حاصله در هریک از تحقیقات ارائه شده متفاوت و جنبه جدید و نوآورانه در این تحقیق تحفظ گردیده است.

چارچوب مفهومی

«معناشناسی» اصطلاحی فنی و روشی نوپدید خصوصاً در تفسیر و علوم قرآن است که به مطالعه و بررسی معنا می‌پردازد. در زبان انگلیسی نام‌های متعددی دارد که معروف‌ترین آنها واژه «سمنتیک» (semantic) و «مینینگ» (meaning) است. در عربی به «علم الدلالة» یا «علم المعنی» شناخته می‌شود (احمد مختار، علم الدلالة، ۱۹۹۸: ۱۱). معناشناسی شاخه‌ای از دانش زبان‌شناسی است که به نظریه معنا می‌پردازد (همو، معناشناسی، ۱۳۸۶: ۱۹) از ظهور معناشناسی به‌عنوان یک علم کمتر از نیم‌قرن می‌گذرد (لاینز، مقدمه‌ای بر معناشناسی زبان‌شناختی، ۱۳۸۳: ۳)؛ لذا همچون پژوهش‌های زبان‌شناختی پیشینه‌ای کهن ندارد. این روش به‌وسیله ایزوتسو جهت تحلیل معانی واژگان قرآنی وارد جریان تفسیری قرآن گردید. در نگاه ایزوتسو معناشناسی با توجه به نوپا بودنش یک علم یکنواخت و سازمان‌یافته نیست؛ بلکه مجموعه‌ای از نظریه‌های مختلف درباره معناست و چون چنین است وی تصور خود از معناشناسی را در تعریفی این چنین بیان می‌کند: معناشناسی تحقیق و مطالعه‌ای تحلیلی درباره کلمات کلیدی زبان است. به‌منظور آنکه سرانجام جهان‌بینی قومی شناخته شود که آن زبان را نه‌تنها همچون وسیله سخن گفتن و اندیشیدن، بلکه مهم‌تر از آن همچون وسیله‌ای برای تصور کردن و تفسیر کردن جهانی که آن قوم را احاطه کرده است به کار می‌برد. معناشناسی که بدین گونه فهمیده شود، گونه‌ای از «علم تحقیق در ماهیت و ساخت جهان‌بینی» (weltanschauungslehre) یک ملت در فلان دوره خاص از تاریخ آن خواهد بود که به‌وسیله تحلیل روش‌شناسی مفاهیم و تصورات فرهنگی عمده‌ای که آن ملت برای خود فراهم آورده و در کلمات کلیدی زبان آن ملت تبلور پیدا کرده است، صورت می‌گیرد (ایزوتسو، خدا و انسان در قرآن، ۱۳۷۳: ۴). بدین ترتیب معناشناسی قرآن در نزد ایزوتسو به‌معنای «جهان‌بینی قرآن» است؛ یعنی نحوه نگرش قرآن نسبت به جهان و اینکه چگونه جهان هستی ساخته شده و اجزا سازنده عمده جهان چیست؟ و ارتباط آنها با یکدیگر از چه قرار است؟ لکن، این تحلیل منحصر در تحلیل صوری ساخت یک واژه و معنای اشتقاقی آن نیست؛ بلکه تحلیل معناشناختی، دانشی فرهنگی است که در پی تحلیل معنای اساسی و نسبی واژه، چهره برجسته‌ای از فرهنگ آن قوم را ترسیم می‌کند (همان: ۸). بدین ترتیب، در اندیشه ایزوتسو متن صامت نبوده؛ بلکه با مقایسه مفاهیم از طریق هم‌نشینی و تقابل، می‌توان معنا را درک کرد؛ البته این گفته، به مفهوم بی‌نیازی از لغت‌شناسی و رجوع به شأن نزول نیست؛ اما این امور نقش کمکی و تبعی دارند. واژگان یک معنای اساسی و پایه دارند که یا در بین‌الاذهان عموم آشکار است و یا با مراجعه به لغت معلوم می‌شود و یک



معنای نسبی دارند که در درون از نسبت نظام‌های مختلف معنایی، متمایز می‌گردد. این معنای خاص واژه از نسبت‌سنجی مفهوم با دیگر مفاهیم دستگاه به‌لحاظ موقعیت صرفی و نحوی و پیوستگی‌های آن با دیگر مفاهیم به‌لحاظ هم‌نشینی و تقابل و... کشف می‌شود. در نهایت با جمع‌بندی و تحلیل این مفاهیم نسبی می‌توان نظام معنایی یک متن را کشف کرد (فیرحی و خان‌محمدی، کاربرد روش معناشناسی در مطالعه عقلانیت شیعه بر مبنای اندیشه تفسیری علامه طباطبایی، ۱۳۹۳: ۴۹). برای دستیابی به مقصود، ایزوتسو برای تحلیل هر متنی دو سطح بینامتنی و درون‌متنی را پیشنهاد می‌کند. در سطح بینامتنی متن در قیاس با متون دیگر مورد بررسی و معناکاوی می‌گردد؛ مثلاً برای فهم واژگان قرآنی باید به متون جاهلی عصر جاهلیت مراجعه گردد. سطح درون‌متنی که در اینجا مورد بحث است مربوط به روابط درونی مفاهیم در متن مورد بحث است؛ مثلاً در اینجا با استفاده از روش معناشناسی می‌توان مفاهیم قرآن را با ارجاع به مفاهیم دیگر معناکاوی کرد. باتوجه‌به مباحث مذکور، ایزوتسو نظریه معناشناسی را بر اصول ویژه‌ای بنا کرده که شناخت آن‌ها در روشن شدن دیدگاه وی مؤثر است؛ لذا قبل از پرداختن به کاربرد روش معناشناسی در خصوص موضوع گردشگری در قرآن به اصول و مؤلفه‌های آن اشاره می‌شود.

۱. ترجمه‌ناپذیری متون

به اعتقاد ایزوتسو، معادل‌سازی واژگان به‌خاطر برابری‌های معنایی است؛ اما این برابرسازی‌ها هیچ‌گاه حق واژه‌های اصلی را ادا نمی‌کند. واژه‌های ترجمه‌شده در بهترین حالت جز معادل‌های جزئی نیستند (خرمشاهی، روش پدیدارشناسانه ایزوتسو در قرآن‌پژوهی، ۱۳۸۰: ۳۸)؛ مثلاً ستمگر در فارسی به ظالم، و کافر به بی‌ایمان معادل‌سازی می‌شود؛ اما نه ظالم با ستمگر یکی است و نه کافر با بی‌ایمان (همان: ۴۸).

۲. محصور بودن زبان در فرهنگ

ایزوتسو معتقد است که زبان‌ها محدود به فرهنگ و امکانات طبیعی مردم هر منطقه هستند و وجود تفاوت‌ها موجب می‌شود مردم به زبان‌های مختلف سخن گویند؛ لذا برخی از واژگان مورد استفاده در یک قوم، در فرهنگ زبانی سایر اقوام هیچ معادلی ندارد؛ مثلاً در اقلیمی که «شتر» فراوان یافت می‌شود اسامی زیادی برای سنین مختلف انواع شتر وجود دارد. همین‌طور مثال «برف» در سرزمین‌های قطبی که معمولاً برف فراوان می‌بارد انواع مختلفی از برف را متمایز کرده‌اند.

۳. فهم معنای واژگان باتوجه به متن مربوط

به اعتقاد ایزوتسو معنای واژگان کلیدی قرآن از قبیل ظلم، ایمان، کفر و... از مجاورت و کنار هم قرار گرفتن با سایر واژگان در یک میدان معنایی مشترک شکل می گیرد. مقوله معنایی یک واژه ممکن است شدیداً تحت تأثیر واژه های مجاور که متعلق به همان میدان یا حوزه معنایی هستند قرار گیرد. به این ترتیب واژه کافر بنا بر بافتی که در آن به کار می رود دو چیز مختلف معنا می دهد. هرگاه در مقابل شاکر به کار رود معنای ناسپاسی و هرجا در تضاد مسلم و مؤمن به کار رود، معنای بی ایمانی می یابد (ایزوتسو، مفاهیم اخلاقی دینی در قرآن، ۱۳۸۸: ۵۱).

وی با طرح بحث «میدان معنایی واژگان» بر این اعتقاد است که روابط وثیقی میان واژگان برقرار است و هیچ واژه ای بدون ارتباط با سایر واژگان در میدان معنایی خاص نمی تواند به حیات خود ادامه دهد؛ بلکه برعکس، واژه ها در همه جا گرایشی شدید به ترکیب با برخی از واژه های دیگر در بافت های کاربردی خود نشان می دهند (همان: ۸۰). ایزوتسو با طرح این مبانی پرده از چهره برخی واژگان قرآن مانند گناه، جهل، ایمان، کفر، ظلم و... برمی دارد.

۴. رابطه زبان با فکر و جهان بینی

در معناشناسی یکی از مباحث مهم، رابطه زبان و جهان بینی است. براساس این ایده، تأثیر زبان بر فکر و جهان بینی به گونه ای است که موجب می شود افراد مختلف از زبان های متفاوت نگاه خاصی به عالم داشته باشند. هریک از واژه ها نمایانگر منظر و زاویه خاصی است که ما از آنجا به جهان می نگریم و آنچه را ما به عنوان یک مفهوم نامیم چیزی نیست جز تبلور این منظر و زاویه ذهنی. واقعیت عینی عالم هستی هر آنچه هست، در معرض اندیشه گری ما نمی گنجد؛ بلکه از منشور نمادهای واژگانی ما می گذارد (همان: ۲۲).

۵. وجود معنای مرکزی و کانونی

از مؤلفه های معناشناسی وجود معنای مرکزی در متن است. در اینجا متن (قرآن) دارای معنای مرکزی است و منفعل نیست؛ یعنی این گونه نیست هرکس به تناسب پیشینه فرهنگی و پیش فهم هایش هرگونه که بخواهد از متن برداشت کند (فیرحی و خان محمدی، کاربرد روش معناشناسی در مطالعه عقلا نیت شیعه بر مبنای اندیشه تفسیری علامه طباطبائی، ۱۳۹۳: ۵۳)؛ لذا ایزوتسو در روش معناکاوی به جای تحمیل معنایی به دنبال یافتن و استخراج معنای واژگانی است. پس از بیان اصول و مؤلفه های روش معناشناسی ایزوتسو به سراغ قرآن رفته و به بررسی واژگان قرآنی می پردازیم.



ب. واژگان قرآنی گردشگری

۱. سیر

به معنای رهسپار شدن و عبور کردن است (قرشی، قاموس قرآن، ۱۴۱۲: ۲/۳۶۱). در مورد انسان با هدف تفکر و عبرت به کار رفته است. این واژه با مشتقاتش ۲۷ بار در قرآن به کار رفته است. ۱۷ مرتبه در معنای نشان‌داری در هیئت فعلی و اسمی و ۱۳ بار هم‌نشین با واژه «فی الارض» شده است. در هیئت ماضی در سوره (قصص/۲۹)، در هیئت مضارع در سوره‌های (یونس/۲۲؛ یوسف/۱۰۹؛ حج/۴۶؛ غافر/۸۲؛ محمد/۱۰؛ روم/۹؛ فاطر/۴۴؛ غافر/۲۱)، در هیئت امری در سوره‌های (آل عمران/۱۳۷؛ نحل/۳۶؛ انعام/۱۱؛ نمل/۶۹؛ عنکبوت/۲۰؛ روم/۴۲؛ فاطر/۴۴)، در هیئت اسمی در سوره (سبا/۱۸) به کار رفته است. در بررسی آیات نکات زیر تحلیل گردید.

الف) هم‌نشینی با عبارت فی الارض

(۱۳) مرتبه با عبارت «فی الارض» هم‌نشین و یک‌بار با حرف «فی‌ها» آمده که ضمیر آن به آبادی برمی‌گردد که مبین معنای ارض است. این حجم هم‌نشینی با ارض اشاره به هدف اصلی سیر است؛ یعنی گردش در زمین و تماشای آثار، چون مشاهده آثار مهم است و در تأثیر آن همان بس که خداوند متعال کافران را به نظر کردن متنبه ساخته است (طبرسی، مجمع‌البیان، ۱۳۶۰: ۲۱/۲۵۱). در اینجا سیر به معنای پرداختن به امور دنیوی و مادی به کار رفته است. چون مشاهده مستقیم از کارآمدترین شیوه‌های دریافت حقیقت است (قرائتی، تفسیر نور، ۱۳۸۳: ۴/۳۰۳). بدین‌منظور از واژه «نظر» استفاده شده است.

ب) مراتب امر به سیر

سیر در آیات با هدف تدبیر در آفاق و انفس و پندآموزی، با دو ساختار فعلی به کار رفته است. قالب فعل امر «سیروا و انظروا» بیانگر این معناست که سکون و بی‌حرکتی مطلوب نیست و حرکت بسته به شرایط از ضروریات است؛ لذا قرآن انسان را تشویق به حضور در جامعه از طریق مشاهده آثار طبیعی و دست‌ساز در عالم هستی می‌نماید چون قوانین و سنت‌های ثابتی بر تاریخ بشر حاکم است که شناختش برای بشر مفید است (همان: ۱/۶۱۲).

قالب ملامت «اولم یسیروا» کسانی که خطاب مذکور را نادیده می‌گیرند با استفهام انکاری انذار می‌نماید و با زبان بی‌زبانی فریاد می‌کشد (مکارم‌شیرازی، تفسیر نمونه، ۱۳۷۴: ۲۰/۷۰)؛ بنابراین لزوم حرکت در زمین از مسلمات قرآنی است.

ج) آمادگی دائمی

کاربرد «سیروا» به صورت امری و اطلاق آن مبین آمادگی جوامع به لحاظ زیرساختی و پشتیبانی از گردشگران و اینکه گردشگری به عنوان یک اصل پذیرفته شده است؛ لذا جوامع باید آمادگی در زمان مقتضی به عنوان مبادی یا مقاصد گردشگری هر دو را توأمان داشته باشند.

د) تعدد در نسبت سیر

تفنن در نسبت های مختلف سیر، مبین اهمیت و آثار سیر بر حیات مادی و معنوی انسان است، مانند: «هُوَ الَّذِي يُسَيِّرُكُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ» (یونس/۲۲)؛ «او کسی است که شما را در خشکی و دریا گردش می دهد.» «وَلَوْ أَنَّ قَوْمًا سَيَّرْتَ بِهِ الْجِبَالَ» (رعد/۳۱)؛ «و اگر قرآنی بود که به وسیله آن کوه ها به حرکت می آمدند.» «فَلَمَّا قَضَىٰ مُوسَى الْأَجَلَ وَسَارَ بِأَهْلِهِ» (قصص/۲۹)؛ «چون موسی آن مدت را به پایان برد و با خانواده اش رهسپار شد.»

هـ) گردشگری فردی / گروهی

استعمال سیر با هیئات مختلف مبین آن است که مشاهده آثار به صورت فردی و گروهی منعی ندارد. «أَوَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ» (روم/۱۹)؛ «آیا در زمین گردش نکرده اند تا با تأمل بنگرند بر عاقبت گذشتگان.» دیدگاه قرآنی بر هر دو وجه سیر دلالت دارد؛ لذا در برخی از آیات از سفرهای گروهی اصحاب کهف و قوم بنی اسرائیل و... به دفعات یاد می شود.

و) تکنیک مشاهده

استفاده از روش مشاهده و لمس آثار، بر این روش فوایدی مترتب است که در روش های تجربی دیگر نیست. این توجه دادن به محسوسات و آثار گاهی با فعل امر: «قُلْ سِيرُوا ثُمَّ انظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكَذِّبِينَ» (انعام/۱۱)؛ «گردش کنید سپس بنگرید سرانجام تکذیب کنندگان را؟» و گاهی با ملامت است: «أَفَلَمْ يَسِيرُوا فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ» (محمد/۱۰)؛ «آیا در زمین سیر نکردند تا ببینند عاقبت کسانی که قبل از آنان بودند.»

ز) ارزش معنایی مثبت

سیر در معنای نشان داری دارای ارزشی مثبت است.

۲. سفر

از برکات سفر همان بس که قرآن می فرماید: «لَوْ كَانَ عَرَضًا قَرِيبًا وَسَفَرًا قَاصِدًا لَا تَبُحُّوْا» (توبه/۴۲)؛ «اگر مردم را برای منفعت آنی و سفر کوتاه تفریحی دعوت کنی، البته تو را پیروی خواهند



کرد.» در لغت به فتح‌تین قطع مسافت (فیومی، مصباح المنیر، بی‌تا: ۲/۲۷۸)؛ پرده برداشتن و آشکار کردن است (قرشی، قاموس قرآن، ۱۴۱۲: ۳/۲۷۱). سفر با مشتقاتش ۱۲ مرتبه در قرآن به کار رفته است. ۸ بار به هیئت اسمی در معنای نشان‌داری که ۵ مرتبه آن با حرف جر «علی» است و ناظر بر زمان و هنگامه سفر است. در معنای نشان‌داری در سوره‌های (بقره/ ۱۸۴ و ۱۸۵ و ۲۸۳؛ کهف/ ۶۲؛ سبأ/ ۱۹؛ نساء/ ۴۳؛ مائده/ ۶؛ توبه/ ۴۲) به کار رفته است. در بررسی آیات نکات زیر تحلیل گردید.

الف) دلالت بر ثبات معنایی

سفر (مسافر) اسم است و در کاربرد ادبی، معنای اسمی بیانگر ثبوت معنایی و در افاده معنا مستقل است؛ یعنی به لحاظ مفهومی بر ثبات دلالت دارد و به عنوان موضوع مستقل در نظر گرفته می‌شود: ﴿أَيَّامًا مَّعْدُودَاتٍ فَمَنْ كَانَ مِنْكُمْ مَّرِيضًا أَوْ عَلَى سَفَرٍ﴾ (بقره/ ۱۸۴)؛ «روزهایی چند [روزه بگیرید] پس هر که از شما بیمار یا در سفر باشد.» منظور کسی که مسافر است؛ بنابراین ویژگی فوق بیانگر لزوم حضور همیشگی این معنا بر زندگی بشری است.

ب) امر مطلق و مستمر

در معنای نشان‌داری مقید نیست؛ یعنی به قوم، نژاد، قبیله و یا زمان خاصی اختصاص ندارد. سفر از بدو خلقت بشر از لوازم دائمی و جزئی جدایی ناپذیر از زندگی بشر است.

ج) آثار مادی

ذات سفر همراه با رنج، تعب، سستی و ضعف می‌باشد همان طور که در آیه آمده است: ﴿قَالَ لَفَتْنَا آتَيْنَا غَدَاءَنَا لَقَدْ لَقِينَا مِنْ سَفَرِنَا هَذَا نَصَبًا﴾ (کهف/ ۶۲)؛ «گفت غذای صبح‌گاهی ما را بیاور که از این سفرمان سستی و خستگی بسیار دیدیم.» اگرچه سفر دارای برکات معنوی هم هست (روم/ ۹)؛ زیرا در سفر جسم و روح انسان صیقل می‌یابد؛ لکن رویکرد مادی آن اقوی و ملموس‌تر است و تخفیف در تکالیف مسافر هم مؤید نکته مذکور است.

د) ارزش معنایی مثبت

در معنای نشان‌داری ارزش معنایی مثبت است، حتی در مواردی که افراد از جاده انصاف خارج شده‌اند و با انذار و ملامت مواجهه گردیده‌اند: ﴿فَقَالُوا رَبَّنَا بَاعِدْ بَيْنَ أَسْفَارِنَا وَظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ فَبَعَلْنَاهُمْ أَخَادِيثَ﴾ (سبأ/ ۱۹)؛ «پس گفتند پروردگارا میان سفرهای ما دوری و فاصله انداز [تا تهی دستان نتوانند با آنان سفر کنند]، و [این‌گونه] بر خودشان ستم کردند، پس ما آنان را داستان‌هایی قرار دادیم.» در اسلام به‌طور کلی سفر ستوده شده است.

۳. سیاحت

در لغت به معنای آب جاری (ابن منظور، لسان العرب، ۱۴۱۴: ۲/ ۴۹۲)، راه رفتن (طریحی، مجمع البحرین، ۱۴۱۶: ۲، ۳۷۶) و جریان همراه تروی و درنگ آمده است (مصطفوی، التحقیق، ۱۳۶۰: ۵/ ۳۴۵). معانی مذکور بیانگر مداومت در سیاحت بوده، از این نظر آگاهی یافتن از محیط نوعی ارزش به شمار می‌رود که مسافر از آن برخوردار است. با مشتقاتش ۳ بار در قرآن آمده است. در معنای نشان‌داری دو مرتبه در سوره (توبه / ۲ و ۱۱۲) به کار رفته است. در فارسی معادل جهانگردی است (لطفی، گردشگری به مثابه یک صنعت، ۱۳۸۷: ۱۷۷). در گذشته، درباره کسانی به کار می‌رفت که با هدف خاصی در سراسر جهان سفر می‌کردند (ادبی، رسانه ملی و توسعه گردشگری، ۱۳۹۰: ۱۳). در بررسی آیات نکات زیر تحلیل گردید.

الف) هم‌نشینی با فی الارض

هم‌نشینی با ارض میبین سیاحت و گردش مادی در زمین است: «فَسَيِّحُوا فِي الْأَرْضِ أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ» (توبه/۲) «پس چهار ماه در زمین سیر کنید.» آیه ناظر به سیاحت مشرکان در ماههای غیر حرام است. نکته اینکه سیاحت مقید به زمان گردیده و علت مدت‌دارشدن سیاحت در آیه و تفاسیر مسکوت است. به نظر چون پندآموزی از بقایا و آثار گذشتگان در سیاحت کمتر مورد توجه بوده و سیاحت گردشگری از نوع ماجراجویانه به‌عنوان پدیده ذوقی و بسته به علاقه افراد تلقی می‌شود از ذکر علت صرف‌نظر و زمان‌مند گردید تا انسان گرفتار لهُو و لعب نگردد و از مسیر خارج نشود.

ب) ارزش معنایی مثبت

در معنای نشان‌داری ارزش معنایی مثبت است با این تفاوت که مدت‌دار است.

ج) تعمیم سیاحت برای زنان

این واژه تخصیص خورده و اطلاق در معنای نشان‌داری ندارد و صرفاً ناظر بر سیاحت زنان است. البته بنا به تفسیری که مراد در آیه زنان سیاحت‌کننده باشند، همان‌طور که در تفاسیر من وحی القرآن، نمونه و نور، کلمه مزبور اشاره به مسافرت و سیرکنندگان زنان است. توبه‌کنندگان، عبادت‌کنندگان، سپاسگویان، سیاحت‌کنندگان... و بشارت ده به (این چنین) مؤمنان (توبه ۱۱۲). برای او قرار دهد، همسرانی مسلمان، مؤمن، متواضع و هجرت‌کننده (تحریم/۵). البته در نزد برخی از ادیان و مذاهب سیاحت مخصوص مردان است. با وجود این برخی بر این باورند استفاده جواز گردشگری زنان مشروط به همراهی همسران ایشان در سفر آنها می‌باشند.



۴. رحله

به معنای خروج برای سفر به همراه اسباب و وسایل است و به مرور معنای اسباب و اثاثیه غلبه یافته است (مصطفوی، التحقيق، ۱۳۶۰: ۸۷/۴) به زاد و توشه سفر هم گفته شده (طریحی، مجمع البحرین، ۱۴۱۶: ۵/۳۸۰). این واژه چهار بار در قرآن به کار رفته است. یک بار در معنای نشان داری با «الشتا و الصیف» هم نشین و محدود به زمان خاص گردیده است و اطلاق معنایی به لحاظ زمانی ندارد.

اولین آیه سوره قریش که کوچ قوم قریش را به تصویر کشیده است. «إِلَّا فِهِمْ رَحْلَةُ الشَّتَاءِ وَ الصَّيْفِ» (قریش/۲)؛ «الفت آن‌ها در سفرهای زمستانه و تابستانه (و به خاطر این الفت به آن بازگردند) است.» غرض از کوچ و سفر قریش الفت و مأنوس شدن با سرزمین مکه است تا زمینه ظهور پیامبر ﷺ فراهم شود. در بررسی آیه نکات زیر تحلیل گردید.

الف) هم نشینی با زمان (شتا و صیف)

رحله در کاربرد قرآنی مقید به زمان است. به برنامه ریزی و هدفمندی سفر تأکید شده و به نوعی توجه به زمان که یکی از مختصات مهم سفر است آگاهی می دهد؛ بنابراین دستیابی به نعمت‌ها و بهروری از امکانات الهی از نتایج توجه به شرایط زمانی است.

ب) ارزش معنایی مثبت

در معنای نشان داری ارزش معنایی مثبت و مقید به زمان خاص گردیده است.

ج) انس و الفت

نتیجه رحله ایجاد الفت میان قریش و سرزمین مکه است؛ اما قابل تعمیم به هر نوع رحله در بین انسان‌هاست. چون وحدت و الفت میان اقشار جامعه، از نعمت‌های الهی است (قرائتی، تفسیر نور، ۱۳۸۳: ۱۰/۶۰۲)؛ و خداوند از خانه‌اش دفاع کرد و به قریش این عزت و احترام را ارزانی داشت تا با رحلت زمستانی و تابستانی مأنوس شوند و امر معاششان بگذرد (طباطبایی، ترجمه تفسیر المیزان، ۱۳۷۴: ۲/۶۲۹). با این بیان معلوم می شود که سفر برای کسب درآمد، مورد پذیرش اسلام است.

د) توجه به امنیت

خداوند با اشاره به رحله قریش در دو فصل از سال به دنبال بیان این است که بسا برخورداری از نعمت و لطف خداوند در سایه سفر باشد. سکنی گزینی طولانی چه بسا مایه محرومیت و قطع نعمت و الطاف الهی باشد. البته قریش با کارهای خلافی که انجام می دادند مستحق این همه لطف و محبت نبودند؛ اما چون مقدر بود از آن سرزمین، پیامبر ﷺ مبعوث شود، خداوند این لطف را در حق آن‌ها انجام داد (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ۱۳۷۴: ۲۷/۳۵۲). از این بیان قرآنی معلوم است که امنیت برآیند و محصول عوامل گوناگون و اوضاع مختلف اجتماعی و نتیجه رابطه متقابل این عوامل است.

۵. هجرت

برای این ماده دو اصل ذکر شده است. قطع (ضد وصل)، «هاجر القوم من دار الی دار» قومی که از دیار خود جدا شد (ابن فارس، معجم مقاییس اللغة، ۱۴۰۴: ۳۵)، و محکم بستن «هجرت البعیر اهرج هجرأ» شتر را محکم بستم (ازهری، تهذیب اللغة، ۱۴۲۱: ۲۹). از نگاه لغویان معاصر، هجر و هجران معنای مفارقت و جدایی انسان از چیزی است که با خود دارد (راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات الفاظ القرآن، ۱۴۰۴: ۸۰۲). در عرف به رفتن از محلی به محلی دیگر است (قرشی، قاموس قرآن، ۱۴۱۲: ۳/ ۱۳۹). این واژه با مشتقاتش ۳۱ مرتبه در هیئت اسمی و فعلی در قرآن آمده است که ۲۶ مرتبه در معنای نشان‌داری است.

در هیئت ماضی در سوره‌های (حشر / ۹؛ احزاب / ۵۰؛ بقره / ۲۱۸؛ آل عمران / ۱۹۵؛ انفال / ۷۲، ۷۴ و ۷۵؛ توبه / ۲۰؛ نحل / ۴۱ و ۱۱۰؛ حج / ۵۸)، در هیئت مضارع در سوره‌ای (نساء / ۱۰۰ دو بار و ۸۹؛ انفال / ۷۲ دو بار)، در هیئت امر در سوره (مزمّل / ۱۰)، در هیئت اسمی در سوره (نساء / ۱۰۰؛ عنکبوت / ۲۶؛ مزمّل / ۱۰؛ ممتحنه / ۱۰؛ توبه / ۱۰۰ و ۱۱۷؛ احزاب / ۶؛ حشر / ۸) در هیئت امری در سوره (مزمّل / ۱۰) به کار رفته است. در بررسی آیات نکات زیر تحلیل گردید.

الف) ایمان هم‌نشین هجرت

ایمان محوری‌ترین مفهوم هم‌نشین هجرت است. این هم‌نشینی هجرت با ایمان بیانگر آن است محتوای هجرت با ایمان سرشته شده است. نکته درخور توجه اینکه هجرت همواره در کنار جهاد آمده است: ﴿إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ﴾ (بقره / ۲۱۸)؛ «کسانی که ایمان آورده و کسانی که هجرت کرده و در راه خدا جهاد کرده‌اند». یعنی اینکه ایمان با هجرت کامل و ارزش دارد.

ب) هجرت به لحاظ جهت حرکت

این واژه با عبارات وصفی «فی سبیل الله»، «فی سبیل»، «فی الله»، «الی الله» و «الی ربی» در آیات متعدد هم‌نشین شده است که همه آن‌ها بر لزوم الهی و هدف‌مند بودن هجرت دارد و اینکه هجرت در تمامی این آیات مقید به قید الهی گردیده است؛ لذا اگر هجرت در جهت الهی نباشد مأجور نیست و حرکت بی جهت ممدوح نیست.

ج) ارزش معنایی مثبت

در معنای نشان‌داری بار معنایی مثبت و محور هر فعالیت براساس تکلیف است.



۶. نفر

در لغت به جدایی (ابن منظور، لسان العرب، ۱۴۱۴: ۵/۲۲۴)، و حرکتی که برخلاف تمایل طبیعی و با کراهت (مصطفوی، التحقيق، ۱۳۶۰: ۱۲، ۱۹۳) باشد، آمده است؛ لذا نفر کوچیدنی است که برخلاف میل طبیعی و با کراهت و از تفرق حاصل می شود و با سفر عادی و طبیعی تفاوت دارد. شاید باتوجه به همین معنا بوده که بغدادی آن را از مصادیق جهاد دانسته است (بغدادی، التفسیر المعین، بی تا: ۸۹).

نفر با مشتقاتش ۱۸ مرتبه در هیئت فعلی در قرآن آمده است. هشت بار در معنای نشان داری با واژگان مختلفی هم نشین شده است. در هیئت ماضی در سوره (توبه / ۱۲۲)، در هیئت مضارع در سوره (توبه / ۳۹ و ۸۱)، در هیئت امری در سوره های (نساء / ۷۱ دوبار؛ توبه / ۳۸ و ۴۱ و ۱۲۲) به کار رفته است. در بررسی آیات نکات زیر تحلیل گردید.

الف) آماده باش دائمی

مفهوم «انفروا» در آیات بیانگر آمادگی جامعه در همه حال و مراقبت در برابر خطر است. گاهی به وسیله ای گفته شده است که با خطر مبارزه می شود. در تفسیر آیه گفته شده سلاح های خود را بر زمین بگذارید؛ ولی وسایل دفاعی (مانند زره) را با خود بردارید (نساء / ۷۱). بعضی حذر را در آیه به معنای اسلحه گفته اند، در حالی که حذر معنی وسیعی دارد (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ۱۳۷۴: ۳/۴)؛ یعنی باید مسلمانان در هر زمان از موقعیت دشمن و میزان آمادگی او با خبر باشند؛ زیرا این موضوعات در حاصل شدن مفهوم حذر مؤثر است.

ب) ملامت تارکین نفر

نفر بر ملامت و تهدید کسانی که در انجام وظیفه قصور کنند، آمده است. در سوره (توبه / ۳۸) با عبارات مختلف به زبان تشویق، ملامت و گاهی به زبان تهدید، سخن به میان آورده است و از هر دری برای آماده ساختن آن ها وارد شده است (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ۱۳۷۴: ۷/۴۱۴).

ج) الزام به تحصیل علم

آیه به واقعیتی دیگر و آن ضرورت تحصیل علم اشاره دارد. گرچه جهاد بسیار پراهمیت است؛ ولی در مواقعی که پیامبر ﷺ شخصاً در مدینه باقی مانده است نباید همه به جهاد بروند؛ بلکه لازم است از مسلمانان گروهی فریضه جهاد را انجام دهند و گروه دیگر معارف و احکام اسلام را بیاموزند (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ۱۳۷۴: ۸/۱۹۰)؛ از این رو، علما بر وجوب تحصیل علم بوجوب کفایی اجماع نموده اند (طیب، اطیب البیان، ۱۳۷۸: ۶/۳۳۳).

د) ارزش معنایی مثبت

در معنای نشان‌داری بار معنایی مثبت و محور هر فعالیت براساس تکلیف است.

۷. ضرب فی الارض

به معنای سیرکردن در زمین (ابن منظور، لسان العرب، ۱۴۱۴: ۴/۱۷۶)، تجارت و جنگیدن (طریحی، مجمع‌البحرین، ۱۴۱۶: ۲، ۱۰۶) آمده است. در هم‌نشینی ضرب و ارض واژه سیر می‌تواند جانشین مناسبی برای ضرب شود؛ لکن، در ضرب طول مدت و نیز هدف اصطلاحاً مادی خاصه در امور معیشتی مدنظر است. چنانچه فرد در این گونه سفرها مهیا نباشد، با خطرهایی چون ازدست‌دادن امنیت و برخورد با دشمن یا مرگ مواجه خواهد بود (جوادی‌آملی، تفسیر تسنیم، ۱۳۸۵: ۱۱/۱۱۵).

این واژه با مشتقاتش ۵۷ مرتبه با هیئت فعلی و اسمی در قرآن به کار رفته است. ۶ بار در معنای نشان‌داری که پنج مرتبه با «فی الارض» و یک بار با فی سبیل الله هم‌نشین شده است. در هیئت ماضی در سوره‌های (آل عمران/ ۵۶؛ نساء / ۹۴ و ۱۰۱؛ مائده/ ۱۰۶)، در هیئت مضارع در سوره (مزمّل / ۲۰)، در هیئت اسمی در سوره (بقره/ ۲۷۳) به کار رفته است. ضرب از افعال ظاهری و حسی است به این معنا که در زمان وقوع، نمود خارجی آن قابل رؤیت است (السامرائی، معانی النحو، ۱۴۲۸: ۲/ ۶). در بررسی آیات نکات زیر تحلیل گردید.

الف) هم‌نشینی با فی الارض

در شش مورد با «فی» آمده است. در هریک از موارد قابل حمل بر غرض و هدف خاصی است که در ذیل می‌آید:

تقسیم‌کار: گروهی برای به‌دست آوردن فضل الهی به سفر می‌روند و گروهی در راه خدا جهاد می‌کنند (مزمّل / ۲۰).

حمایت مالی از جهادکنندگان: (صدقه از آن) فقرایی است که در راه خدا از کار مانده و نمی‌توانند سفر کنند، اشخاص بی‌خبر آنان را بس که مناعت دارند توانگر می‌پندارند (بقره/ ۲۷۳).

بیان حکم شرعی: و زمانی که به سفر می‌روید و بیم آن دارید که کفار شما را گرفتار سازند گناهی بر شما نیست اگر نماز را شکسته می‌خوانید (نساء / ۱۰۱).

توبیخ متخلفین: گفتند اگر برادران ما به سفر نرفتند و یا به جنگ حاضر نمی‌شدند به چنگ مرگ نمی‌افتادند (آل عمران/ ۱۵۶).

جهاد در راه خدا: ای کسانی که ایمان آوردید چون در راه خدا سفر می‌کنید و به افراد ناشناس برمی‌خورید درباره آنان تحقیق کنید (نساء / ۹۴).



ب) غفلت نکردن از تکالیف فردی / اجتماعی

مسافر در سفر آسایش کمتری دارد و دسترسی به امکانات دشوار است. این امر مجوز قصور و تقصیر از وظایف فردی و اجتماعی نیست.

ج) بار معنایی مثبت

در معنای نشان داری بار معنایی مثبت و محور فعالیت ها براساس تکالیف است.

۸. ظعن

به معنای حرکت کردن (طریحی، مجمع البحرین، ۱۴۱۶: ۶، ۲۷۸)، و کوچ به قصد اقامت و با استفاده از کجاوه (ابن فارس، معجم مقاییس اللغة، ۱۴۰۴: ۳۴۰) آمده است. ظعن حرکت با هیئت خاص و برای هدف خاص به کار می رود. این واژه جزء کلمات تکامد و یک بار در قرآن آمده است و مشتق یا هم خانواده ای ندارد. این واژه در قرآن در معنای نشان داری به هیئت اسمی و با واژه متضادش «اقامت» هم نشین شده است: «وَاللّٰهُ جَعَلَ لَكُم مِّنْ بُيُوتِكُمْ سَكَنًا... يَوْمَ ظَعْنِكُمْ وَيَوْمَ إِقَامَتِكُمْ وَ... إِلَى حِینٍ» (نحل / ۸۰). لغویان و مفسران به رفتن و کوچ کردن معنا کرده اند. در بررسی آیه نکات ذیل قابل تحلیل است.

سفر کوتاه مدت

منظور سفری سبک بال و کوتاه مدت است. مقابل اقامت به کار رفته است که به اقامت دائم یا بلندمدت قابل تحلیل است. چون ساختن منزل از پشم، کرک و موی چارپایان دلالت بر منزل موقتی دارد، به تبع سفر هم موقتی خواهد بود. آیه نیز به همین دلیل بر سبک بودن آن اشاره کرده، می فرماید آن را به برداشتن و با خود بردن وقت سفر و کوچ کردن سبک می یابید (حسینی شاه عبدالعظیمی، تفسیر اثنا عشری، ۱۳۶۳: ۷/ ۲۵۴).

سبک بودن کوچ

از جمله نکات در کوچ، رعایت تناسب و شرایط سفر است که اسباب و اثاثیه باید سبک و خفیف باشد؛ لذا اگر جنبه هدایتگری در سفر لحاظ شود، هرچه انسان بارش کمتر، سرعت هدایتگری اش افزایش خواهد یافت.

پند آموختن

برای «إِلَى حِینٍ» در آیه تفسیرهای متعددی آمده است که ظاهراً منظور این است که عمر زندگی این جهان و وسائل و ابزار آن جاودان نیست و هرچه باشد، محدود است (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه،

۱۳۷۴: ۱۱، ۳۴۵). برخی به اینکه اینها فناپذیرند و نباید به آنها دل بست و نعمت‌های آخرت را فراموش کرد، تفسیر کرده‌اند (طبرسی، مجمع البیان، ۱۳۶۰: ۱۴/۲۵)؛ از این رو پند آموختن از لحظات مختلف سفر امری دائمی است.

ارزش معنایی مثبت

در معنای نشان‌داری بار معنایی مثبت است.

۹. مشی

به معنای حرکت با استفاده از پا یا مشابه آن (مصطفوی، التحقيق، ۱۳۶۰: ۱۱۷) و از روی اراده از جایی منتقل شدن (قرشی، قاموس قرآن، ۱۴۱۲: ۲۶۰) آمده است. این واژه با مشتقاتش ۲۳ بار در قرآن جزء یک مورد در معنای نشان‌داری با ساختار فعلی و اسمی آمده است. در هیئت ماضی در سوره (بقره/ ۲۰)، هیئت مضارع در سوره‌های (انعام/ ۱۲۲؛ نور/ ۴۵ (۳ بار)، ملک/ ۲۲ دو بار؛ طه/ ۴۰؛ قصص/ ۲۵؛ اسراء/ ۳۷؛ اعراف/ ۱۹۵؛ طه/ ۱۲۸؛ فرقان/ ۲۰، ۷ و ۶؛ سجده/ ۲۶؛ ملک/ ۱۵)، در هیئت امری در سوره‌های (لقمان/ ۱۸؛ اسراء/ ۳۷؛ ص/ ۶؛ ملک/ ۱۵)، در هیئت اسمی در سوره (لقمان/ ۱۸) آمده است. در بررسی آیات نکات زیر تحلیل گردید.

الف) رعایت شئون اخلاقی در مقصد

این واژه در آیه با هیئت فعلی منفی (لقمان/ ۱۸) که بیانگر رعایت اصول و شئون اخلاقی در سفر خصوصاً در مواجهه با افراد بومی در مقصد آمده است. چون تکبر و غرور انسان را در عالمی از توهّم و خودبرتربینی فرو می‌برد و رابطه او را از دیگران قطع می‌کند (مکارم‌شیرازی، تفسیر نمونه، ۱۳۷۴: ۱۷، ۵۴)؛ لذا مؤمنان باوقار و فروتن بوده و چون از جاهلان حرکات و یا سخنانی زشت می‌شنوند، به سخنی سالم و خالی از لغو جواب می‌گویند (طباطبایی، ترجمه تفسیر المیزان، ۱۳۷۴: ۱۵/۳۳۱)، کنایه از اینکه مؤمنان از رفتار ناپسند پرهیز و اخلاق حسنه را معیار رفتار در مقصد سفر قرار دهند.

ب) تقیه و رعایت مسائل اجتماعی / اعتقادی

ناظر به رعایت مسائل اعتقادی و تقیه‌کردن در مقابل مردمان بومی در مقصد سفر است: ﴿وَعِبَادُ الرَّحْمَنِ الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا وَإِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامٌ﴾ (فرقان/ ۶۳)؛ «مؤمنان در مقابل اهانت و بی‌احترامی، به درشتی با آنها صحبت نمی‌کنند؛ بلکه با کمال ملایمت و خوبی جواب می‌دهند.» یا با آنها با مسالمت رفتار می‌کنند (طیب، اطیب البیان، ۱۳۷۸: ۹/۶۵۲). رفتار مسالمت‌آمیز و احترام به دیگران خصوصاً در باب مسائل اعتقادی از جمله اموری است که می‌تواند در مقصد سفر مطمح نظر قرار گیرد.



ج) رد نگاه طبقاتی

آیه «وَقَالُوا مَا لِهَذَا الرَّسُولِ يَأْكُلُ الطَّعَامَ وَيَمْشِي فِي الْأَسْوَاقِ لَوْلَا أُنْزِلَ إِلَيْهِ مَلَكٌ فَيَكُونُ مَعَهُ نَذِيرًا» (فرقان/۷)، به نکته مهمی اشاره دارد. به اعتقاد کفار، پیامبر ﷺ با افراد عادی تفاوت دارد. باید رفتاری متفاوت از دیگران داشته باشد. از دیدگاه آنان افراد با شخصیت برای رفع حوائج خود باید از مأموران و خدمتگزاران استفاده کنند (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ۱۳۷۴: ۲۶/۱۵)؛ لذا رفتار عادی پیامبر ﷺ در نزد کفار قابل پذیرش نیست. از منظر قرآن ابراز نگاه طبقاتی در جوامع مقصد مضر و به طور کلی مردود است.

د) دیدن آثار و عبرت آموزی

دیدن آثار گذشتگان و عبرت آموزی نکته قابل تحلیل آیه «أَفَلَمْ يَهْدِ لَهُمْ كَمْ أَهْلَكْنَا قَبْلَهُمْ مِنَ الْقُرُونِ يَمْشُونَ فِي مَسَاكِينِهِمْ» (طه/۱۲۸) است. عبرت گرفتن از پیشینیان جزو مسائلی است که قرآن زیاد بر آن تکیه کرده است. چه بسیارند افرادی که از هیچ موعظه‌ای پند نمی‌گیرند؛ اما دیدن صحنه‌هایی از آثار عبرت‌انگیز گذشتگان آن‌ها را تکان داده، مسیر زندگی آن‌ها را دگرگون می‌سازد (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ۱۳۷۴: ۱۳/۳۳۵).

هـ) رعایت حق ضعیفان

نکته دیگر در خصوص واژه مشی، توجه کردن به حضور افراد ضعیف همانند زنان در جامعه است. در آیه «مَا خَطْبُكُمَا قَالَتَا لَا نَسْقِي حَتَّى يُصْدِرَ الرِّعَاءُ» (قصص/۲۳)، آنجا که موسی دید دختران شعیب در گوشه‌ای ایستاده‌اند و شبان‌ها تنها در فکر گوسفندان خویشند و نوبت به دیگری نمی‌دهند، برای موسی این تبعیض و بی‌عدالتی قابل تحمل نبود (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ۱۳۷۴: ۱۶/۵۶). خود درصدد مساعدت برآمدند و نکته دیگر اینکه رفت‌وآمد زن در بیرون خانه باید براساس حیا و عفت باشد (قرآنی، تفسیر نور، ۱۳۸۳: ۷/۳۹).

و) نه‌راسیدن از نوآوری

ترس از مسائل تازه و نوظهور در طول تاریخ یکی از علل اصرار اقوام گمراه بر انحرافات خود و تسلیم‌نشدن در برابر دعوت پیامبران الهی بوده است. به همین جهت به آیین انبیا با بدبینی فوق‌العاده می‌نگریستند. «وَإِذْ نَفَخْنَا فِي السَّمَاءِ الْمَلَأَ مِنْهُمْ أَنِ امْشُوا وَاصْبِرُوا عَلَى آلِهَتِكُمْ» (ص/۶)؛ «سرکردگان آنها بیرون آمدند و گفتند بروید و خدایان‌تان را محکم بچسبید.» بنابراین از این منظر هر نوع پایداری و صبری پسندیده نیست؛ چنان‌که هر نوع نوآوری محکوم نیست (همان: ۸/۸۲). به‌رحال این طرز برخورد با مسائل تازه و ابتکارات جدید، ضایعات بزرگی برای جوامع انسانی داشته است؛ لکن این سخن به معنای اینکه هر مطلب تازه‌ای را به‌خاطر تازه بودنش مورد استقبال قرار دهیم، نیست (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ۱۳۷۴: ۲۴، ۳۳۸).

ح) تلاش برای کسب روزی

در آیه «هُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ ذَلُولًا فَامْشُوا فِي مَنَاكِبِهَا وَكُلُوا مِن رِّزْقِهِ» (ملک/۱۵)؛ بعد از توصیف زمین به ذلول بودن دستور می دهد که بر «مناکب» آن راه بروید، اشاره ای است به اینکه تا گامی برندارید بهره ای از روزی های زمین نخواهید داشت. تعبیر به «رزق» نیز تعبیر بسیار جامعی است که تمام مواد غذایی زمین را اعم از حیوانی و گیاهی و معدنی شامل می شود (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ۱۳۷۴: ۲۴، ۳۳۸).

۱۰. نقب

به معنای مسافرت، کاوش در شهرها، شکافتن راه و کشورگشایی در مناطق مختلف است (قرشی، قاموس قرآن، ۱۴۱۲: ۷/۱۰۳). این واژه با مشتقاتش ۳ بار با ساختار فعلی و اسمی در قرآن به کار رفته است. در معنای نشان داری در آیه «وَكَمْ أَهْلَكْنَا قَبْلَهُمْ... فَتَقَبَّوْا فِي الْبِلَادِ هَلْ مِنْ مَّحِيصٍ» (ق/۳۶)، با هیئت ماضی با «فی البلاد» هم نشین شده است. در بررسی آیه نکات ذیل تحلیل گردید.

الف) دلالت بر کشورگشایی

هم نشینی نقب با بلاد به معنای گردش و تماشای طبیعت و بقایای برجای مانده از گذشتگان است. در مقایسه با دیگر واژگانی که با ارض هم نشین شده اند، صراحت بیشتری در سیر دارد. برخی مفسران به معنای نفوذ در اقوام دیگر و شکافتن راه و پیشروی، جهت کشورگشایی می دانند (قرآنی، تفسیر نور، ۱۳۸۳: ۹/۲۲۹)؛ لذا بر معنای منفی تفسیر شده است.

ب) معنای نشان داری منفی

در معنای نشان داری بار معنایی منفی و حرکتی است که به قصد و نیت غیرالهی تفسیر شده است.

۱۱. خروج

به معنای بیرون شدن است (قرشی، قاموس قرآن، ۱۴۱۲: ۲۳۵). این واژه در قرآن با مشتقاتش ۱۸۱ بار آمده است. ۵۸ بار در معنای نشان داری در هیئت فعلی و اسمی به کار رفته است. در هیئت ماضی در سوره های (حشر/ ۲؛ محمد/ ۱۳؛ انفال/ ۵؛ توبه/ ۴۰؛ قصص/ ۲۸؛ نساء/ ۷۵؛ بقره/ ۲۴۶ و ۱۹۱ و ۲۴۳؛ ممتحنه/ ۹ و ۱؛ مائده/ ۶۱؛ انفال/ ۴۷؛ توبه/ ۴۷ و ۴۲؛ نساء/ ۶۶؛ حج/ ۴۰؛ ذاریات/ ۳۵؛ حشر/ ۱۱ و ۸ و ۱۲)، در هیئت مضارع در سوره های (اعراف/ ۸۸؛ حشر/ ۱۱؛ نمل/ ۵۳؛ منافقون/ ۸؛ اسراء/ ۷۶؛ نمل/ ۵۶؛ آل عمران/ ۱۹۵؛ توبه/ ۸۳؛ بقره/ ۸۵ و ۸۴؛ ابراهیم/ ۱۳؛ نمل/ ۳۷؛ مائده/ ۲۲ و دوبار؛ حشر/ ۲ و ۱۲؛ طه/ ۶۳؛ ممتحنه/ ۱ و ۸؛ اعراف/ ۱۱۰؛ شعراء/ ۳۵) در هیئت امری در



سوره‌های (ابراهیم/ ۵؛ قصص/ ۲۰؛ نساء/ ۱۰۰؛ ابراهیم/ ۱؛ طه/ ۵۷؛ اعراف/ ۱۲۳ و ۸۲؛ بقره/ ۱۹۱) در هیئت اسمی در سوره‌های (بقره/ ۲۱۷؛ توبه/ ۱۳؛ قصص/ ۲۰؛ بقره/ ۸۵؛ توبه/ ۴۶ و ۸۳؛ شعراء/ ۱۶۷؛ ممتحنه/ ۹) به کار رفته است. در بررسی آیات نکات زیر تحلیل گردید.

الف) انجام تکلیف

خروج با جبر محیطی، بیانگر تکالیفی الهی برای انبیاء و اولیاء و برخی از مؤمنان در ادیان مختلف، خصوصاً در اسلام است که مقدمه هجرت و ترک وطن را در پی دارد. علاقه به وطن حق طبیعی انسان، و اخراج از وطن سلب این حق و سبب ظلم است (طوسی، التبیان، بی تا: ۳۲۱). خروج در این معنا بیانگر مفهوم هجرت است. بدین ترتیب، گردشگری در برخی مواقع جنبه الزام و وجوبی می‌یابد که افراد به ناچار باید اقدام عملی نسبت به آن انجام دهند.

ب) مجازات تبعید

تبعید مجازاتی است که به موجب آن فرد مجرم از اقامت در وطن و شهر خود ممنوع می‌شود و یکی از مجازات الهی است (قرآنی، تفسیر نور، ۱۳۸۳: ۵۳۸/۹). «هُوَ الَّذِي أَخْرَجَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ مِنْ دِيَارِهِمْ» (حشر/ ۲)؛ «اوست که کافران از اهل کتاب را در نخستین بیرون راندن دسته جمعی از خانه‌هایشان بیرون راند.» همان طور که مشخص است این آیه ناظر به تبعید مشرکان است.

ج) بهانه‌تراشی موقوف

گاه انسان هنگامی که خطایش آشکار شد، پوزش می‌طلبد. گاهی به دنبال توجیه بوده، با عذر تراشی از زیر بار مسئولیت می‌گریزد. در آیات قرآنی از قوم بنی اسرائیل بسیار گزارش شده است. خداوند هم برای دلجویی و حمایت از پیامبر اسلام ﷺ در برابر بهانه‌جویی‌های اهل کتاب، به بیان گرفتاری یهودیان بهانه‌جو به منظور دلجویی و وعده حمایت از آن حضرت پرداخته است: «أَلَمْ تَر إِلَى الَّذِينَ خَرَجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ... حَذَرَ الْمَوْتِ فَقَالَ لَهُمُ اللَّهُ مُوتُوا ثُمَّ أَحْيَاهُمْ» (بقره/ ۴۳)؛ «آیا ندیدی جمعیتی را که از ترس مرگ از خانه‌های خود فرار کردند؟ خداوند به آن‌ها گفت: بمیرید. سپس خدا آن‌ها را زنده کرد تا عبرتی برای آیندگان باشند.»

د) نهی نمایش ثروت و غرور

کسب ثروت ذاتاً مذموم نیست؛ ولی معیار و ارزش نیست. قرآن ثروت و غنای همراه با اتراف و طغیان‌گری را نکوهش کرده است: «وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ خَرَجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ بَطَرًا» (انفال/ ۴۷)؛ «چون کسانی نباشید که از خانه‌های خود سرمست از نعمت بیرون شدند.» بر طبق آیه هرگونه ثروت‌اندوزی و برتری‌جویی ممنوع و مایه هلاکت در دنیا و شقاوت در آخرت است.

هـ) نهی فتنه‌انگیزی

فتنه‌انگیزی در سفر ممنوع است. قرآن به این واقعیت اشاره کرده، در خصوص عدم خروج منافقان برای جهاد آن را به فال نیک می‌گیرد. «لَوْ خَرَجُوا فِيكُمْ مَا زَادُوكُمْ إِلَّا خَبَالًا» (توبه/ ۴۷)؛ «اگر (منافقان) همراه شما به جنگ بیرون آمده بودند جز فساد بر شما نمی‌افزودند.» یعنی در هر جامعه‌ای گروهی هستند که سعی می‌کنند در لحظات حساس افکار مردم را به هم بریزند و تخم تردید بپاشند.

و) ارزش معنایی مثبت و منفی

در معنای نشان‌داری دارای ارزش معنایی مثبت و منفی است.

نتیجه

باتوجه به گستردگی واژگان در خصوص موضوع گردشگری، در این تحقیق واژگانی که از شهرت لازم در موضوع گردشگری برخوردار بوده و تفاسیر نیز مؤید آنها هستند، پرداخته شد و از مواردی که چنین ویژگی را نداشتند صرف نظر گردید. براین اساس معیارهای قرآنی در بررسی انجام شده در این تحقیق در واژگان مربوط عبارت‌اند از: توجه به ابعاد مادی و معنوی انسان، ارزش معنایی مثبت، همگانی بودن سفر به لحاظ مخاطب و زمان، هدفمندی و تکلیف‌مداری، دائمی بودن، آمادگی مبادی و مقاصد، نشانه گرفتن زندگی مادی، رد نگاه طبقاتی، آماده‌باش دائمی دفاعی، تشویق به فراگیری علم، عبرت‌آموختن، تأکید بر رعایت شئون اخلاقی و آسیب‌ها در مقصد، رعایت امور اعتقادی و تقیه، عدم وحشت از نوآوری، ممنوعیت نمایش ثروت و غرور، و ممنوعیت فتنه‌انگیزی است.

برایند حاصل از معیارهای به دست آمده در خصوص تعریف گردشگری قرآنی نیز بدین قرار است: گردشگری «مجموعه فعالیت‌های افرادی است که به مکان‌هایی خارج از محل زندگی و کار به قصد بهرمندی از آثار معنوی، پرداختن به مناسک و تکالیف، تفریح و استراحت و انجام امور دیگر مسافرت نموده و متناسب با نیاز و ضرورت برای مدت طولانی و متوالی در آنجا نمی‌مانند.» این تعریف در مقایسه با تعریف گردشگری مصطلح، مبین اثرگذاری بر هر دو بُعد انسان بوده، مقید به زمان هم نیست. چون هریک از واژگان به بخشی از ملاکات اشاره داشتند. انواع گردشگری براساس معیارهای مذکور نیز شامل: سفر (گردشگری مطلق)، سیر (گردشگری طبیعت‌گردی و باستان‌شناسانه)، هجرت (گردشگری دینی، مذهبی و امنیتی)، نفر (گردشگری دفاعی، نظامی، علمی، گروهی و بلندمدت)، ضرب فی الارض (گردشگری تجاری، دفاعی، جهادی و تبلیغی)، سیاحت (گردشگری فردی، جهانگردی و سیاحی)، ظعن (گردشگری کوتاه‌مدت و مقطعی) و نقب (گردشگری تبهکارانه و معاندانه) می‌باشد.



منابع

۱. قرآن کریم، ترجمه: محمدعلی رضایی اصفهانی و جمعی از اساتید جامعة المصطفی، انتشارات المصطفی، قم: چاپ دوم، ۱۳۸۸.
۲. ابن فارس، احمد بن زکریا، معجم مقاییس اللغة، دفتر تبلیغات اسلامی، قم: ۱۴۰۴ ه. ق.
۳. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت: دار صادر، چ سوم، ۱۴۱۴ ه. ق.
۴. احمد مختار، عمر، علم الدلالة، قاهره: عالم الکتب، ۱۹۹۸ م.
۵. _____، معناشناسی، ترجمه سیدحسین سیدی، مشهد: دانشگاه فردوسی، ۱۳۸۶.
۶. ادبی، حسین، رسانه ملی و توسعه گردشگری، قم: صدا و سیما مرکز پژوهش های اسلامی، ۱۳۹۰.
۷. ازهری، تهذیب اللغة، بیروت: دار احیا التراث العربی، ۱۴۲۱ ه. ق.
۸. ایزوتسو، توشیهکو، خدا و انسان در قرآن، تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۷۳.
۹. _____، مفاهیم اخلاقی دینی در قرآن، ترجمه فریدون بدره ای، تهران: بی نا، ۱۳۸۸.
۱۰. تاج الدین، محمدباقر، طراحی طرح آمارگیری از گردشگری ورودی، طرح پژوهشکده آمار، ۱۳۸۸.
۱۱. جوادی آملی، عبدالله، تفسیر تسنیم، قم: اسراء، ۱۳۸۵.
۱۲. حسینی شاه عبدالعظیمی، حسین، تفسیر اثنا عشری، تهران: میقات، ۱۳۶۳.
۱۳. خرمشاهی، بهاء الدین، روش پدیدارشناسانه ایزوتسو در قرآن پژوهی، گلستان قرآن، ش ۶۸، ۱۳۸۰.
۱۴. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات الفاظ القرآن، قم: دفتر نشر الکتب، چاپ دوم، ۱۴۰۴ ه. ق.
۱۵. السامرائی، فاضل صالح، معانی النحو، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۸.
۱۶. طباطبایی، محمدحسین، ترجمه تفسیر المیزان، ترجمه محمدباقر موسوی همدانی، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۴.
۱۷. طبرسی، فضل، ترجمه مجمع البیان، ترجمه رضا ستوده فراهانی، تهران: بی نا، ۱۳۶۰.
۱۸. طریحی، مجمع البحرین، مرتضوی، تهران: چ سوم، ۱۴۱۶ ه. ق.

۱۹. طیب، سیدعبدالحسین، اطیب البیان، تهران: انتشارات اسلام، چاپ دوم، ۱۳۷۸.
۲۰. فراهیدی، العین، قم: هجرت، چ دوم، ۱۴۱۰ ه. ق.
۲۱. فیرحی، داوود، خان محمدی، کریم، «کاربرد روش معناشناسی در مطالعه عقلانیت شیعه بر مبنای اندیشه تفسیری علامه طباطبائی»، فصلنامه شیعه‌شناسی، ش ۴۶، ۱۳۹۳.
۲۲. فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، منشورات دارالرضی، قم: بی‌تا.
۲۳. قرائتی، محسن، تفسیر نور، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، ۱۳۸۳.
۲۴. قرشی، علی‌اکبر، قاموس قرآن، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چاپ ششم، ۱۴۱۲ ه. ق.
۲۵. لاینز، جان، مقدمه‌ای بر معناشناسی زبان‌شناختی، ترجمه حسین واله، تهران: گام نو، ۱۳۸۳.
۲۶. لطفی، بهنام، گردشگری به مثابه یک صنعت، مجله راهبرد، ۱۳۸۷.
۲۷. مصطفوی، حسن، التحقیق، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۶۰.
۲۸. مکارم‌شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴.
۲۹. هویدی بغدادی، محمد، تفسیر المعین، قم: ذوی القربی، بی‌تا.



References

1. Quran –e – Karim (*Th Holy Quran*), Mohammad Ali Rezaei Esfahani and A Group of Professors from Al-Mustafa University, Al-Mustafa International Publications, Qom: 2nd Edition, 1388 SH (2009 CE).
2. Adabi, Hossein, *Rasaneh-e Melli va Tose'eh Gerdeshgari (National Media and Tourism Development)*, Qom: Seda va Sima Markaz-e Pazhuhesh-haye Eslami, 1390 SH (2011 CE).
3. Ahmad Mukhtar, Umar, *Ilm al-Dalalah (The Science of Semantics)*, Cairo: Alam al-Kutub, 1998 CE.
4. Ahmad Mukhtar, Umar, *Mafahim Akhlaqi Dini dar Quran (Religious Ethical Concepts in the Quran)*, Translated by Faridoun Badraei, Tehran: Binna, 1388 SH (2009 CE).
5. Ahmad Mukhtar, Umar, *Ma'na-shenasi (Semantics)*, Translated by Seyyed Hossein Seyyedi, Mashhad: Ferdowsi University, 1386 SH (2007 CE).
6. Al-Samra'i, Fadhil Salih, *Ma'ani al-Nahw (Grammar Meanings)*, Beirut: Dar Ihya al-Turath al-Arabi, 1428 AH (2007 CE).
7. Azhari, *Tajzieh al-Lughah (Language Refinement)*, Beirut: Dar Ihya al-Turath al-Arabi, 1421 AH (2000 CE).
8. Farahidi, *Al-Ain*, Qom: Hejrat, 2nd Edition, 1410 AH (1989 CE).
9. Firahi, Davood; Khanmohammadi, Karim, "*Karbarad-e Ravesh-e Ma'nashenasi dar Motale'e Aqlaniyat-e Shia bar Mabnay-e Andisheh Tafsiri-ye Allameh Tabatabai*" (*The Application of Semantics Method in the Study of Shiite Rationality based on the Exegetical Thought of Allameh Tabatabai*), Faslname-ye Shia-Shenasi, No. 46, 1393 SH (2014 CE).
10. Fuyumi, Ahmad bin Muhammad, *Al-Misbah al-Munir (The Enlightening Lantern)*, Manshurat Dar al-Razi, Qom: n.d.
11. Hawidi Baghdadi, Mohammad, *Tafsir al-Moeen (The Enlightening Commentary)*, Qom: Zawi al-Qurba, n.d.
12. Hosseini Shah Abdolazimi, Hossein, *Tafsir Esna Ashari (Twelver Commentary)*, Tehran: Miqat, 1363 SH (1984 CE).
13. Ibn Faris, Ahmad bin Zakariya, *Mu'jam Maqayis al-Lughah (Dictionary of Language Measures)*, Daftar-e Tablighat-e Eslami, Qom: 1404 AH (1983 CE).
14. Ibn Manzur, Muhammad bin Mukarram, *Lisan al-Arab (The Arabic Language)*, Beirut: Dar Sadir, 3rd Edition, 1414 AH (1994 CE).
15. Izutsu, Toshihiko, *Khoda va Ensan dar Quran (God and Man in the Quran)*, Tehran: Sherkat-e Sahami Enteshar, 1373 SH (1994 CE).
16. Javadi Amoli, Abdullah, *Tafsir Tasnim (Interpretation of Tasnim)*, Qom: Esra, 1385 SH (2006 CE).

17. Khoramshahi, Bahauddin, *Ravesh Pedarshenasi Izutsu dar Quranpazhuhi (Phenomenological Approach of Izutsu in Quran Studies)*, Golestan-e Quran, No. 68, 1380 SH (2001 CE).
18. Laiens, John, *Moqaddamey-e I Bar Ma'nashenasi Zaban-shenakhti (An Introduction to Linguistic Semantics)*, Translated by Hossein Valeh, Tehran: Gam-e Now, 1383 SH (2004 CE).
19. Lotfi, Behnam, *Gordeshgari be Masabe Yek San'at (Tourism as an Industry)*, Rahbord Magazine, 1387 SH (2008 CE).
20. Makarem Shirazi, Naser, *Tafsir-e Nemouneh (Exemplary Commentary)*, Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyah, 1374 SH (1995 CE).
21. Mostafavi, Hassan, *Al-Tahqiq (The Investigation)*, Tehran: Bonyad-e Tarjome va Nashr-e Ketab, 1360 SH (1981 CE).
22. Qara'ati, Mohsen, *Tafsir Noor (Interpretation of Noor)*, Tehran: Markazi Farhangi Dars-haye Az Quran, 1383 SH (2004 CE).
23. Qarashi, Ali Akbar, *Qamus Quran (Quranic Lexicon)*, Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyah, 6th Edition, 1412 AH (1991 CE).
24. Raghieb Esfahani, Hossein bin Mohammad, *Mofradat Alfaz al-Quran (Vocabulary of Quranic Words)*, Qom: Daftar Nashr al-Ketab, 2nd Edition, 1404 AH (1984 CE).
25. Tabarsi, Fazl, *Translation of Majma al-Bayan*, Translated by Reza Setudeh-Farahani, Tehran: n.p., 1360 SH (1981 CE).
26. Tabatabai, Mohammad Hossein, *Translation of Tafsir al-Mizan*, Translated by Mohammad Baqer Moosavi-Hamedani, Qom: Daftar-e Entesharat-e Eslami, 1374 SH (1995 CE).
27. Taj al-din, Mohammad Baqer, *Tarrahi-ye Tahr-e Amargiri az Gerdeshgari worordi (Designing a Plan for Tourist Entry Statistics)*, Research Project of Statistical Research Institute, 1388 SH (2009 CE).
28. Tayyeb, Seyyed Abdul Hossein, *Atyab al-Bayan (The Best Explanation)*, Tehran: Entesharat-e Islam, 2nd Edition, 1378 SH (1999 CE).
29. Tureihi, *Majma' al-Bahrain (Confluence of Two Seas)*, Mortazavi, Tehran: 3rd Edition, 1416 AH (1995 CE).